



۲۰۱۹/۱۲/۲۰



میر عبدالرحیم عزیز

امپریالیزم و تروریسم در افغانستان و شرق میانه



قسمت اول

تجاوزات پی در پی امریکا و سایر اعضای پیمان تجاوزکار ناتو به افغانستان و شرق میانه، تروریسم را ترویج و توسعه داده است. در واقعیت ما می توانیم یک نوع علت و معلول را بین این دو پدیده ضد بشری ببینیم. امپریالیزم خود یک نوع تروریسم است: تروریسم جهانی که توسط دولت های حریص و متجاوز اعمال می شود و تروریسم گروهی و فردی را سبب می گردد. تجاوز به افغانستان و انهدام عراق، لیبیا، سومالی و طرح به نابودی کشاندن سوریه مثال های عمده به شمار می روند. غرب در مجموع مسؤول قسمت عمده نابسامانی و خلق تروریسم در شرق میانه است. بدون تردید که عراق و لیبیا تحت زعامت صدام حسین و معمرفذافی دارای نظام های دموکراتیک نبودند، اما حد اقل توانستند که جلو فعالیت گروه های دست راستی ضد انسانی را بگیرند. حال این سرپوش به کمک توطئه و تجاوزات غرب منهدم شده و راه برای گسترش تروریسم در شرق میانه و ماورای آن هموار گردیده است. ناگفته نباید گذاشت که عوامل مختلف داخلی مانند موجودیت نظام های ضد ملی مورد حمایت امپریالیزم، فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی، عقب ماندگی فکری، نابسامانی های سیاسی و تعصبات مذهبی و سکتاریستی و بالاخص تحریکات نظام فاسد آخندی ایران نیز در شیوع تروریسم در شرق میانه نقش داشته است. در اینجا صرف رابطه امپریالیزم و تروریسم را مورد ارزیابی قرار داده و خواهیم دید که تا چه اندازه برای شرق میانه و جهان مصیبت بار بوده است.

از هم میهنان عزیز متوقع ام که این بحث را بیشتر مورد توجه قرار داده و نقش سائر کشورها مانند روسیه، فرانسه، برتانیه، ایران، عربستان سعودی، ترکیه، اسرائیل، قطر و امارات را که در تقویت نیروهای تروریستی در شرق میانه دست داشته اند، نیز ارزیابی نمایند.

حادثه تروریستی سپتمبر ۱۱ سال ۲۰۰۱ بهترین بهانه را برای امریکا داد تا به تجاوزات خود نه تنها به افغانستان بلکه در سراسر شرق میانه آغاز کرده و حاکمیت جهانی امریکا را تثبیت نماید. سقوط شوروی این فرصت را بهتر در اختیار امریکا گذاشت تا یکه تاز میدان گردد و آقای بلا منازع جهان شود.

درین جا نمی خواهم که دلیل و یا دلایل حادثه سپتمبر ۱۱ را مورد تبصره قرار دهم، زیرا مورد بحث این تحریر نیست. اما صرف یادآور می شوم که نظرات گوناگونی درین خصوص از جانب دانشمندان و اهل خبره ابراز شده است که تا حدی دولت امریکا را مسؤول وقوع این حادثه میدانند. عده ای سؤال می کنند که چطور یک قدرت عظیم جهانی مانند امریکا با دستگاه های

استخباراتی وسیع و اقمار مصنوعی جاسوسی اش که از صد ها مایل (صد ها کیلومتر) حرکت یک مورچه را به روی زمین با دقت مشاهده کرده می توانند، نفهمید که یک توطئه عظیم در خلال مدت چند ماه پخته می شود و عملی می گردد؟ این حادثه سبب گردید که اداره جورج بوش بر علاوه اشغال افغانستان، طرح نابودی هفت کشور را در شرق میانه و افریقا یکی بعد دیگری رویدست بگیرد. این کشورها عبارت بودند از عراق، سوریه، لبنان، لیبیا، سومالیا، سودان و ایران. با این تصمیم ضد انسانی، امریکا و ناتو عمداً منطقه را بی ثبات ساخت و تروریزم را در شرق میانه و شمال افریقا گسترش داد که در نهایت گلوی متجاوزان را هم فشرده است.

افغانستان

بعد از سپتمبر ۱۱، ۲۰۰۱ امریکا به رهبری جورج بوش و حمایت محافظه کاران جدید به تجاوزاتش آغاز نمود. افغانستان آماج اول تجاوز امریکا شد، در حالیکه تروریست هائی که برج های تجارت جهانی را منهدم کردند و سائر نقاط را هدف قرار دادند، همه عرب بودند نه افغان. امریکا ادعا نمود بن لادن که توسط طالبان حمایت و محافظت می شد، دستور حمله به امریکا را صادر کرده بود. ناگفته نباید گذاشت که بن لادن در دهه هشتاد به کمک غرب در جریان اشغال کشور ما توسط قوای سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان آورده شد. هدف این بود به هر قیمتی که باشد جنگ تا زمان شکست نهائی شوروی و دولت دست نشانده اش در کابل ادامه یابد.

زمانیکه طالبان با تائید امریکا به قدرت رسانیده شدند، از زبگنیو برژینسکی (Zbigniew Brzezinski) مشاور امنیت ملی جیمی کارتر و یکی از ستراتیژیست های با اهمیت طبقه حاکم امریکا سؤال شد که آیا از کمک تان به مجاهدین افغان که بعداً نظام طالبی را به دنبال داشت، نادم نیستید؟ برژینسکی جواب داد "کدام یک برای ما مهم تر است، سقوط شوروی و یا عروج طالبان". بایست یادآور شوم که بن لادن نه تنها در سالیان حاکمیت طالبان، بلکه در جریان جنگ های داخلی کشور بین سالیان ۱۹۹۶-۱۹۹۲ از آزادی و نفوذ قابل ملاحظه ای در افغانستان برخوردار بود. بن لادن با برهان الدین ربانی، رسول سیاف، احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار در تماس دایمی بود.

کتی گنن (Kathy Gannon) مولف کتاب "از جنگ مقدس تا ترور مقدس: ۱۸ سال داخل افغانستان" در صفحه ۱۷ از قول یک افغان می نویسد که "بعد از آمدنش از سودان، بن لادن حکمتیار و مسعود را آشتی داد". لکن با عروج طالبان، بن لادن با قدرت بیشتر در افغانستان فعالیت میکرد تا اینکه مصیبت ۱۱ سپتمبر بر افغانستان نازل گردید که تجاوز امریکا را به دنبال داشت.

ارمغان تجاوز امریکا به افغانستان، نصب فاسد ترین نظام و به قدرت رسانیدن جانی ترین انسان ها در اریکه قدرت بود که به مافیای جهانی مرتبط می گردند. نظام مستعمراتی کابل از آغاز تا حال آنقدر فاسد بوده است که حتا حامد کرزی اولین رئیس جمهور دست نشانده و اشنگتن لب شکایت کشوده و به تاریخ ۱۰ دسمبر ۲۰۱۹، به خبرگزاری اسوشیت پرس در کابل گفت: "امریکا با صرف صد ها میلیون دالر در افغانستان در دو دهه اخیر، باعث گسترش فساد در افغانستان شده است." پس وقتیکه حامد کرزی در مورد فساد در افغانستان صحبت می کند، حس زده می توانیم که فساد به مفهوم واقعی آن در افغانستان چه خواهد بود؟

اشغال افغانستان، تروریزم را در داخل کشور بیشتر پرورش داده و کشت تریاک و تجارت مواد مخدره را هفتاد فیصد افزایش بخشیده است. افغانستان نه تنها آرام نگردید، بلکه از زمره نا امن ترین کشور ها نامیده شده است. بعد از ۱۸ سال بمباران،

کشتار ها، ویرانگری و تحمیل یک نظام ضد میهنی، طالبان دوباره با قدرت بیشتر بر می گردند و امریکا هم نزد همین گروه عقب گرا و به عقیده واشنگتن "حامی القاعده" زانو می زند و تقاضای ترحم می نماید. اکنون مردم ستمکش ما نه تنها با طالبان، بلکه با داعشیان آورده شده از عراق و سوریه، گروه های نابکار حزب اسلامی و جمعیت اسلامی، عمال و اوک ایران و آی اس آی پاکستان، انسان کشان حزب وحدت، گلم جمان وحشی و قتل های زنجیره ئی توسط میلیشیا های ساخت امپریالیزم دست به گریبان اند.

شهادت چند هفته قبل وحید مژده مفسر و منتقد سیاسی نمونه قتل هائی است که بار ها از سال ۲۰۰۱ بدینسو اتفاق افتاده است. گزارش اخبار واشنگتن پوست مورخه ۹ دسمبر ۲۰۱۹، حاکیست که دولت امریکا واقعبیت های جنگ افغانستان را از مردم پنهان کرده است. این سند بیش از دو هزار صفحه را در بر میگیرد و با بیش از ۴۰۰ تن که بیشتر آنها امریکائی اند و تجربه جنگ افغانستان را داشته اند، مصاحبه شده است. آنها در مورد علل ناکامی در جنگ افغانستان صحبت کرده و گفته اند که پیروزی درین جنگ امکان ندارد. مقام های دولت امریکا طی ۱۸ سال گذشته از بیان حقایق پشت پرده جنگ افغانستان عمداً خودداری نموده و مردم خود و جهان را در تاریکی گذاشته اند. واشنگتن پست بر اساس این اسناد گزارش داده است که از سال ۲۰۰۱ تا کنون طور تخمینی حدود ۱۵۷ هزار تن در افغانستان کشته شده اند که بیشترین رقم آن مربوط به اردو و قوای امنیتی دولت مستعمراتی افغانستان بوده است. نیرو های امنیتی دولت مستعمراتی کابل با از دست دادن ۶۲۱۲۴ تن مقام اول را دارد. تلفات مردم ملکی به اثر بمباران و حملات خود کشانه به ۴۳۰۷۴ نفر می رسد. طالبان هم ۴۲۱۰۰ کشته داده اند. نظر به ارقام گزارش متذکره، در خلال ۱۸ سال، ۷۷۵ هزار تن عسکر امریکائی در افغانستان اعزام گردیده که از زمره ۲۳۰۰ تن کشته و ۲۰۵۸۹ تن زخمی شده است.

گزارش همچنان می رساند که امریکا تقریباً مبلغ ۹۷۸ بلیون دالر که نزدیک به یک تریلیون دالر می شود، در افغانستان مصرف نموده است. دلچسپ اینکه جیمز دوبینز (James Dobbins) نماینده اختصاصی امریکا در افغانستان و پاکستان (۲۰۱۳-۲۰۱۴) اظهار داشت "ما کشورهای فقیر را اشغال نمی کنیم که آنها را ثروتمند سازیم، ما به دیکتاتوری ها حمله نمی کنیم که آنجا دموکراسی برقرار سازیم، بلکه ما به کشورهای پرخاشگر و خشن حمله میکنیم تا آنجا صلح برقرار نمائیم و آنچه آشکار است در انجام این مأموریت در افغانستان ناکام مانسیم".

یکی از نظامیان امریکائی به اسم دنی جرسن (Danny Sjrursen) که با قوای متجاوز امریکا در افغانستان و عراق خدمت نمود، بعد از افشاکاری اخبار واشنگتن پوست به ارتباط جنگ در افغانستان، به تاریخ ۱۰ دسمبر ۲۰۱۹ در سایت ضد جنگ (www.antiwar.com) نوشت:

"من میدانستم که جنگ در افغانستان یک دروغ بود". پس دلایل عمده تجاوز امریکا به افغانستان و ادامه اشغال کشور ما چه بوده است؟ یک عده از اهل خبره در داخل و خارج امریکا معتقدند که امریکا قبلاً تصمیم تجاوز به افغانستان را داشت، خواه حادثه تروریستی سپتمبر ۱۱ اتفاق می افتاد یا خیر.

۱. **نظر گاه ستراتیژیک:** افغانستان بهترین موقعیت جغرافیائی را دارد که امریکا میتواند ایران را در محاصره داشته باشد و چین و روسیه را از نزدیک زیر نظر بگیرد. امریکا بعد از شکست شوروی در افغانستان و بالاخص فروپاشی این کشور تصمیم گرفت تا مراکز نظامی در افغانستان تأسیس نماید و حاکمیت خود را درین قسمت از جهان تحکیم بخشد. حادثه تروریستی سپتمبر ۱۱ بهترین بهانه را برای امریکا داد تا سریعتر دست به کار شود و بر منطقه

مسلط گردد. به نقشه پائین نظر افکنده و درمی یابید که امریکا و ناتو به چه تعداد مراکز نظامی در مناطق حساس کشور تأسیس نموده اند.

مراکز نظامی امریکا و اعضای ناتو در افغانستان



۲. **غارث ثروت کشور:** امریکا از روز اول تجاوز به افغانستان طرح غارت منابع زیر زمینی افغانستان را ریخته بود. دستگاه های استخباراتی امریکا قبلاً میدانستند که افغانستان از منابع سرشار طبیعی زیر زمینی مانند لیتیم، مواد نایاب زمین و اورانیوم برخوردار است. افغانستان فقیر و عقب مانده توانائی بهره برداری از منابع زیر زمینی خود را ندارد. با استفاده از اشغال کشور، امریکا مقدار عظیم مواد نایاب زیر زمین، یورانیوم و لیتیم افغانستان را استخراج نموده و به سرقت برده است. دولت مستعمراتی کابل کمترین صلاحیت ندارد تا مانع این چپاولگری شود.

۳. **مواد مخدره:** گزارش های مختلف نشان میدهد که مواد مخدره یکی از طرق تمویل جنگ هم برای طلبان و هم برای نیروهای متجاوز امریکا است. مضامین متعددی در این خصوص در سطح جهانی به نشر رسیده است. "سایت تحقیق جهانی" (Global Research) به تاریخ ۱۷ اکتوبر ۲۰۱۸ نوشت که "قوای امریکا در افغانستان از کشت تریاک حمایت می کند و تولید هروئین در جریان اشغال این کشور توسط امریکا به حد اعلی رسیده است".

۴. **تشدید کشمکش قومی و مذهبی:** یکی از طرق عمده نفوذ استعمار در کشورهای جهان سوم، خصوصاً جوامع اسلامی که در سطح پائین رشد فکری و توسعه اقتصادی قرار دارند، دامن زدن و تشدید نمودن اختلافات قومی و مذهبی است.

امریکا در همه اقوام و طوایف افغانستان به زور دالر عمال تریبه نموده است. در روزهای حملات نظامی امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱، این کشور از میهن فروشان ازبک و تاجیک و هزاره استفاده نموده تا طالبان پشتون را از صحنه بردارد. با عین تکنیک، امریکا از بی مسلکان پشتون مستفید شده و حس برتری جوئی را در یک عده از پشتون های ضد ملی علیه سایر اقوام افغانستان تقویت نموده است. امپریالیزم همچنان تضاد های کودخانه سنی و

شیعه را بیشتر وسعت بخشیده که درین راستا یک نوع هم آهنگی میان واشنگتن، تهران و اسلام آباد مشاهده میشود. نبود اتحاد در جوامع اسلامی و تدوام و تشدید کشمکش میان اقوام این کشورها به یک ستراتیژی دایمی امپریالیزم غرب تبدیل شده است.

تصور نمی شود که امریکا به این زودی و به این آسانی از افغانستان خارج شود. جائیکه امریکا و هر کشور متجاوز دیگر تجاوز کند و کشته بدهد، متجاوزین آنجا را جزء ملکیت خود میدانند، مگر اینکه مبارزات هم جانبه ملی (نه طالبی) نیرو های اشغالگر را وادار به ترک وطن ما نماید. اگر احیاناً جریان مذاکرات صلح بین امریکا و تحریک طالبان به نتیجه هم برسد، با اعطای رشوه و امتیازات سیاسی به طالبان، امریکا یک تعداد مراکز نظامی خود را در افغانستان حفظ خواهد کرد و اشغال کشور به یک نحو دیگری برای سالیان متوالی ادامه خواهد یافت. نسبت موجودیت یک نظام مستعمراتی مورد حمایت امپریالیزم، ناامنی، تروریسم، بی ثباتی و تعمیق تضاد های قومی و مذهبی تشدید خواهد شد. باید تأکید نمایم که یک افغانستان نا آرام بهتر میتواند منافع امپریالیزم را برآورده سازد، زیرا آرامش و وحدت میان مردم ما مانع بزرگ برای توسعه طلبی متجاوزین خواهد بود. مش "تفرقه بیانداز و حکومت کن" که هنوز هم در افغانستان و جوامع اسلامی مرعی الاجراست، جزء ستراتیژی همیشگی امپریالیزم است. سطح پائین دانش سیاسی، عقب ماندگی اقتصادی و عدم ثبات اجتماعی در کشور های اسلامی در تدوام سیطره غرب بر جهان اسلام کمک می نماید.

اینست نتیجه تجاوز امپریالیزم به کشور ما که یک عده از شرف باختگان بی هویت و میهن فروشان حرفه ئی به آن می بالند و آنرا دموکراسی "واقعی" میخوانند.

پایان قسمت اول

ادامه دارد

**** * * * * ****

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

امپریالیزم و تروریسم در افغانستان و شرق میانه

R_aziz_imperyalisme_wa_terorisme_dar_afghanistan_۱.pdf